

## نگاهی به اقتصاد آلمان فدرال\*

مترجم: بهرام صالحی

به نظر می‌رسد که ناگهان کمبود نیروی کار ماهر در آلمان غربی پدید آمده است. صنعت فولاد، از نیافتن شیمی‌دان، فیزیکدان و مهندس برق مورد نیاز، شکوه سرداده است. رئیس یک مؤسسه بزرگ کارمایی در هامبورگ، تقاضا برای نیروی کار ۱۰۰۰ نفر کمک مکانیک، تراشکار، مهندس و برنامه‌نویس کامپیوتر را در تلویزیون مطرح کرده است. در بادن وورتمبرگ، یک مقاطعه‌کار تأسیسات و ماشین‌آلات در جستجوی ۱۶۱۱ زن و مرد آموزش دیده است.

در حالی که این واقعیت که برخی از شرکتها، به احتمال، با کمبود نیروی انسانی روبه‌رو هستند، موجب تشویش گردیده است، که صدراعظم کهل و باران میانه‌رو و دست راستی‌اش، هنگام بازگشت از تعطیلات تابستانی خود به بن، بتوانند شکفتی خود را از دگرگونیهای فوق‌العاده‌ای که روی داده است، پنهان دارند.

اوضاع بد در آغاز سال، بدون اغراق، فعالیت‌های اقتصادی را با جمود مواجه ساخت. محصول ناخالص ملی در ربع اول سه‌ماهه آخر سال ۱۹۸۴، ۱٪ کاهش یافت و وزرای ناراحت از این امر تصدیق کردند که پیش‌بینیهای دست‌پایین آنها در مورد رقم ۱۰۰۰۰۰ نفری بیکاران در سال جاری - به عنوان رکورد آمار بیکاری در سالهای پس از جنگ - ناموجه بوده است.

کشور، سال را با وضع متوسطی در زمینه صادرات هدایت شده و بهبود سیاستگذاری شده‌ای توسط دولت در مورد بازرگانی داخلی - ولو نه در حدی بهتر از صادرات بلکه در حد رقابت با آن - آغاز کرده بود. دولت را قادر گرداند شروع تأثیر سیاستهای سخت مالی و پولی را برای عموم رأی - دهندگان بی‌اشتیاق، به اثبات برساند.

بهبود تولید و تجارت داخلی برای دولت امری حیاتی به حساب می‌آید. زیرا پیش‌بینی می‌گردد

\* Peter Bruce. "The battle to sell the good news". *Financial Times* (August 21, 1985), 10

میزان صادرات در سال آینده، بویژه صادرات به آمریکا که طی دو سال گذشته به راحتی بزرگترین بازار روبه رشد را داشته است، کم رقی شده و حتی تقلیل یابد. در سال جاری، اخیراً "مارک آلمان به میزان ۱۳٪ در برابر دلار تقویت شد و طبق نظر مؤسسه پژوهشی دی.آی.دبلیو، در برلن، قیمت‌های کالاهای وارداتی در سه ماهه دوم سال تنزل کرده و قیمت‌های اجناس صادراتی طی همین دوره افزایش یافته است.

بسیاری از صاحبان صنایع مهم آلمان، خوش اقبالی خویش را در امر صادرات به خارج و برعکس، فروش نامساعد در داخل کشور پنهان نداشته‌اند. فروش داخلی محصولات کارخانه‌های مانسمان در سال گذشته به میزان ۸٪ کاهش یافت، حال آنکه صادرات آن ۲۲٪ ترقی کرد. در فریدکروپ، صادرات ۱۴٪ افزایش داشت و در همین حال فروش داخلی آن بهرکود گرایید. فروش فراورده‌های شرکت بایر به آمریکا، برای نخستین بار، به میزانی بیش از فروش آنها در داخل کشور رسید. شرکت جی.اچ.اچ که مالک شرکت ام.ا.ان، تولیدکننده کامیون، نیز هست، ۶/۵٪ تقلیل در فروش داخلی خود در سال مالی منتهی به ۳۰ ژوئن را گزارش کرده و در عین حال اظهار می‌دارد که صادرات این شرکت به خارج، ۲۲٪ افزایش یافته است.

در حالی که فروش داخلی فولکس واگن در نیمه اول سال ۱۹۸۵ در حدود ۱۰٪ تنزل یافته است، تولیدکنندگان آلمانی اتومبیل، بالاترین بازده را در اروپا به دست آورده و سهم فروش آنها در بازار اتومبیل از ۱۲٪ به ۱۳٪ ترقی کرده است.

فراورده‌های کارخانه‌های در سه ماهه دوم سال جاری ۱/۵٪ افزایش نشان داد و محصول ناخالص ملی متناسب با این افزایش، رشد کرده است. انجام پیش بینیهایی محتاطانه، رشد اقتصادی سالانه به میزان ۲/۵٪ که در سال گذشته به ۲/۶٪ رسید، هم اکنون از نو تجدید گردیده است.

علاوه بر این، نشانه‌هایی از تحرک در اقتصاد داخلی به چشم می‌خورد. در حالی که این اقتصاد، پس از رونق ناگهانی و مختصری که همزمان با انتخاب کهل، در اوایل سال ۱۹۸۳ به خود دید، به سرعت بی تحرک شده بود.

حتی در سه ماهه اول امسال، سرمایه‌گذاری مالی به معنی دقیق کلمه، ۹/۵٪ فزونی یافت و در سه ماه اول سال ۱۹۸۴ سود سرمایه‌گذاری عمدتاً بر اثر صادرات شناور، ترقی کرد و دورنمای وضع خوب آن برقرار ماند. بوندس بانک (بانک مرکزی) تخمین زده است که سود کارخانه‌ها در سال ۱۹۸۳ و سال ۱۹۸۴، اگرچه که بر مبنایی مسلماً نازل، ۲۷٪ افزایش یافته است.

مؤسسه "آی.اف.او" در مونیخ که به طور مستمر پیرامون هدفها و رشته‌های سرمایه‌گذاریها تحقیق می‌کند، اظهار می‌دارد که صاحبان صنایع، به احتمال در سال جاری، سرمایه‌گذاریهای مالی خود را به میزان ۱۲٪، یعنی تقریباً "دو برابر آنچه دولت ۱۸ ماه پیش از این پیش‌بینی می‌نمود، افزایش خواهند داد.

تا آنجا که به صدر اعظم کهل و وزرای او مربوط است، همه این فراین حاکمی از آن هستند که

اقتصاد آلمان نیرومندی طبیعی خود را تحت یک رهبری سیاسی، که سریعاً "کسر بودجه" به اثر رسیده، فدرال را تقلیل داده است، بازمی‌جوید. این قراین درک برنامه، دو مرحله‌ای تقلیل مالیاتها به میزان ۲۰ میلیارد مارک در سال آینده، را مقدور می‌سازد. این نشانه‌ها همچنین قبول وجود اطمینان برای پایین نگهداشته شدن تورم به میزانی درست، بیش از ۲٪ را ایجاب می‌کند، که مایه رشک همسایگان آلمان و شریکان تجاری اوست.

این‌گونه پیروزیهای مستی بر آمار و ارقام برای صدراعظم که اهمیت فزاینده‌ای دارد، او ظرف ۱۸ ماه آینده با انتخابات روبه‌رو خواهد بود و این بهبود آشکار در اقتصاد داخلی، در امر انتخابات اثری حیاتی دارد. هلموت اشمت صدراعظم پیشین، در سال ۱۹۸۲، به‌رغم وجود قرینه‌هایی دال بر اینکه اقتصاد کشور در حال خروج از آخرین رکود خود بود، سقوط کرد. در آن هنگام تورم، که به‌بیش از ۶٪ رسیده بود، روبه‌تنزل داشت.

شش‌ماه‌بقیه سال جاری، به‌احتمال، فشارهایی را شاهد خواهیم بود. آیا آنچه در بازار داخلی چونان تجدید حیات اقتصاد به‌نظر می‌آید، واقعی است؟ آیا تقاضای موجود برای نیروی کار کارگران ماهر مرتفع خواهد شد؟ تصمیم بوندس بانک در هفته گذشته دایر بر تقلیل نرخ بهره، این بانک به‌میزان نیم درصد و برقراری آن به‌میزان ۴٪ - به‌عنوان نخستین تقلیل ظرف مدتی بیش از دو سال - "محتلاً" دلالت بر کاهشی معقولانه داشته است. ولی این اقدام نیز امری سیاسی بود. دکتر گرهارد اشتول تنبرگ وزیر دارایی که همراه رئیس بانک مرکزی (بوندس بانک) - که به‌طور نظری از دولت مستقل است - در تلویزیون ظاهر شده بود، به‌هنگام اعلام کاهش نرخ بهره، بانک مرکزی، باب جدیدی را گشود. پیام او به آلمانیها چنین بود: بولهایتان را خرج کنید.

درخواستهای مستقیم و مکرر از مقامات محلی آلمان دایر بر صرف هزینه برای تهیه برنامه‌های سرمایه‌گذاری، و از مصرف‌کنندگان دایر بر خروج از کشور و خرید اقلامی مانند اجاقهای خوراک‌پزی میکروویو، شاید وجود عدم اطمینانی به حد زیاد در بن، در خصوص بالا بودن درجه، بهبود اقتصاد داخلی، را فاش می‌سازد. با این حال، قراین دال بر اینکه مصرف‌کنندگان در حال افزودن بر میزان مصرف خود در حد قابل‌اهمیتی باشند، اندک بوده و در حالی که ممکن است صنایع، رشته‌ها و هدفهای سرمایه‌گذاریهای خود را تغییر دهند، مقایسه اوضاع با یک‌سال پیش، از آن‌رو که الگوهای مصرف زیر تأثیر اعتصابهای کارگران صنایع فلزی در تابستان گذشته، دگرگون شده است، به احتمال گمراه‌کننده خواهد بود.

همچنین این مطلب که سرمایه‌گذاران در چه رشته‌هایی جریان دارد مشخص نیست. دعوت دولت از صنایع به هزینه کردن وجوه بیشتر، چنین معنی می‌دهد که سرمایه‌گذاران ایجادکننده، شغل مورد نظر است. لکن از نظر صاحبان صنایع آلمانی نشانه‌هایی وجود دارد که بر اساس آنها ظرفیت فعلی حجم پول در حال تغییر بوده و لذا تأسیسات و ماشین‌آلات که شغل ایجاد نمی‌کنند بلکه لزوم استفاده از نیروی کار انسانی را مرتفع می‌سازند، خریداری می‌گردند.

صنعت ساختمان که منتفع شدن آن از هرگونه بهبودی در سایر صنایع می‌توانست مورد انتظار باشد، بدون تردید به دست و پا زدن در دامان بدترین بحران بعد از جنگ خود، ادامه می‌دهد. صنایع ساختمانی با حجم فعالیت سالیانه‌ای در حدود ۲۶۰ میلیارد مارک بزرگترین بخش تولیدی کشور را تشکیل داده است. با این وصف در سال جاری ۲۰۰۰ نفر کارگر اخراج خواهند شد و ۲۰۰۰ شرکت فعال در این بخش به احتمال با عسر مالی روبه‌رو خواهند گردید. جز افزایش مختصری در "تحقیقات مهندسی سیویل" خبرهای خوبی در خصوص صنایع ساختمانی وجود ندارد.

به هر حال وزرا و ماموران عالی‌رتبه آنها اخیراً "پیرامون اینکه بخش ساختمان، در جنگ بین بخشهای مختلف تولید برای رسیدن به مقام اول، برنده گردیده، صحبت می‌کنند. این امر می‌تواند واقعیت داشته باشد لیکن در عین حال حاکی از دوران و فشاری است که بر وزرا وارد می‌شود تا چرخ اقتصاد را بدون نقض عهد خود، به صورت تقلیل حجم پول، به حرکت در آورند و لذا سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان به رشته‌هایی سرمایه‌بر، طبق نتایج تحقیقات مهندسی سیویل، معطوف گردیده است.

به رغم تلاش وزرا به وانمود کردن اینکه سرمایه‌گذاری داخلی در بین عاملهای محرکه اقتصاد کشور مقام دوم را داراست موضوع آشکار چنین نیست. رکورد ۵۴ میلیارد مارکی اضافی موازنه پرداختها در سال گذشته با رقم احتمالی ۷۰ میلیارد مارکی امسال پشت سر گذاشته خواهد شد - سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تخمین زده است که  $\frac{1}{4}$  رشد محصول ناخالص ملی در سال گذشته از بخش صادرات سرچشمه گرفته و در سال جاری احتمالاً  $\frac{1}{4}$  این رشد به صادرات مربوط خواهد بود.

دوچرخه بانک اخیراً "در خصوص سرمایه‌گذاریهای زیاد در زمینه تولید کالاهای سرمایه‌ای (ماشین‌آلات و غیره) اخطار داده است. بانک مذکور در ماه زوئن گذشته اظهار داشت:

"در پشت روند کلی مثبت اقتصاد، شکاف آشکاری پنهان است. نخست تفاوت‌هایی بین فعالیت در بخشهای مربوط به صادرات و فعالیت در بخشهای مربوط به بازرگانی داخلی موجود است. ثانياً "اجزای انفرادی تقاضا در داخل کشور نیز مسیرهای ناهمگونی را دنبال می‌کنند. چنین ناهمگرایی (divergence) شدیدی بین سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و تجهیزات از یک سو و مصرف خصوصی و سرمایه‌گذاری در ساختمان از سوی دیگر، کاملاً بی‌سابقه است. احتیاط زیادی در نتیجه‌گیری از آنچه در مورد کل اقتصاد کشور گفته می‌شود، تا آنچه در خصوص یک بخش تولید یا شرکتهای مختلف بیان می‌گردد، می‌بایست به عمل آید."

ولی حتی چنانچه وزیران فقط سعی در بحث از نیرومندی اقتصاد کشور در ارتباط با بهبود چشمگیر در چند بخش از تولید را داشته باشند، هیچ چیز نمی‌تواند توجه واقعی آنها به ناتوانی بهبود کلی حاصله، به تقلیل بیکاری، که در همه ماههای امسال، به اندازه بیکاری دوران پس از جنگ بوده و در حال حاضر شامل ۹٪ از جمعیت فعال و معادل ۲/۲ میلیون نفر بیکار است را پنهان سازد.

در حالی که دولت تأیید می‌کند که تعداد افراد بیکار چشمگیر است، در خصوص پیش‌بینی قطعی

میزان عدم اشتغال به شدت محتاط گردیده است.

به نظر می‌رسد صدراعظم کهل پیش خود چنین محاسبه می‌کند که برترین نقطه امید او برای تقلیل برخوردهای سیاسی با تعداد کثیر افرادی که از بیمه بیکاری استفاده می‌کنند، کشاندن اتحادیه‌های کارگری به یک مناظره ملی برای حل مسئله و پیوند دادن خطوط و نگرشهای سیاسی باشد. به همت درخور تشکر زیاد آقای نربرت بلوم وزیر کار، تماس با اتحادیه‌ها پس از اعتصابات تابستان در حمایت از هفته کاری کوتاه‌تر، برقرار گردید، اما نتیجه این تماس تا حال حاضر دست‌نخورده باقی مانده است.

اگر بهبود کلی اقتصادی کشور قدری کمتر می‌بود و چنانچه بن در سال جاری به نرخ رشدی - به فرض ۶٪ - که اتفاقاً اقتصاد کشور از پایان سال ۱۹۸۲ با چنین نرخ رشد کرده است - نظر می‌داشت، در آن صورت مناظره با اتحادیه‌ها در خصوص بهبود نابرابر در بخشهای مختلف تولید و احتمالاً عدم اشتغال گسترده، می‌توانست چنین سخت نباشد.

در عمل، صدراعظم کهل و گروه او دریافته‌اند که افسرده کردن رأی‌دهندگان، به مراتب از به هیجان درآوردن آنها ساده‌تر است. مقامات محلی در نقاط مختلف آلمان به خاطر تقلیل دادن سرمایه‌گذاری از هنگام به قدرت رسیدن دولت کهل و تجدید مسرت‌های ناشی از توازن حسابها - که شاید به‌طور قابل درکی در حدی که اینک به درهم‌پاشیدن کل آنها منجر شود، متراکم نباشند - مورد تمسخر قرار گرفته‌اند.

مصرف‌کنندگان که غالباً به خاطر کار شدید در دوران تورم و شروع به پسانداز در حجم زیاد از چهار سال پیش، از اعتبار برخوردارند، به تعاضاگرانی بدگمان و محافظه‌کار تبدیل گردیده‌اند. آنها به احتمال انتظار دارند که دولت به جای حرف زدن، پول در میان گذارد ولی در هر حال در ارتباط با افزودن به حجم پول، به‌طور ملایم عمل نماید. فعالیت‌های مربوط به بخش مسکن به نسبت سال گذشته ۳۰٪ تعدیل یافته و در سال گذشته نیز این فعالیتها در سطح پایینی قرار داشت.

صنایع، بویژه، که به دولت فعلی رأی داده بودند، از آن طرفی نبسته‌اند. کمک‌های دولت به جای آنکه بر اساس وعده‌های که داده شده بود تقلیل یابد، افزایش یافته است. قول تقلیل این کمکها به میزان یک میلیارد مارک در سال آینده، با یک بررسی دقیقتر چیزی جز حرکت زیرکانه‌ای از سوی دولت نیست.

صاحبان صنایع همچنین دولت را به خاطر خودداری از ارائه برنامه تقلیل یک مرحله‌ای مالیاتها به میزان ۲۰ میلیارد مارک در سال آینده، به جای تقلیل دو مرحله‌ای آن، به شدت نکوهش کرده‌اند. در عمل، بسیاری عقیده دارند که تقلیل مالیاتها، فقط اندکی از مالیاتهای افزایش یافته در دوره حکومت کهل را جبران خواهد کرد.

اصلاح مهم و بنیادی دیگری که دولت انجام آن را تعهد کرده بود، کاهش مشارکت خود در صنایع بود. ولی تاکنون وزارت دارایی جز فروش تعدادی از سهام شرکت VEBA که خود مالک آن نیست،

اقدامی نکرده است. یک برنامه محدود " خصوصی کردن " هم اکنون در دست مطالعه است. اما برخلاف میل بسیاری از ارباب کسب و کار، این برنامه در جریان درگیریهای سیاسی بر سر تجارت، کنار گذاشته شده است. برنامه‌ای که حتی اگر موفق هم باشد، موجب برداشتن کنترل دولت از چیزهایی خواهد شد که هم اکنون بر آنها کنترلی ندارد.

با این حال احتمال می‌رود که صنایع، دوباره این دولت را برگزینند و این امر سروصداهایی را موجب خواهد شد. صاحبان صنایع یقین دارند که تغییرات ارزش مارک به سود آنان عمل کرده است. در واقع به نظر می‌رسد دلیل کمی برای ترس از اینکه حتی افزایش عمده‌ای در نرخ برابری مارک نسبت به سایر ارزها، چنانچه به تدریج انجام پذیرد، رقابت آلمان در آمریکا را به نحو نامطلوبی دستخوش آشفتگی نماید، وجود داشته باشد. لیکن چنانچه دولت قبل از آنکه بهبود اقتصاد داخلی کشور فرصت ریشه‌دوانیدن و استحکام را بیابد، ناگزیر از تقویت ارزش مارک در برابر سایر ارزها در نظام پولی اروپا گردد، با مشکل بزرگتری روبرو خواهد شد.

تقریباً " نصف صادرات آلمان به کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا صورت می‌پذیرد و تقویت ارزش مارک، آنها را تهدید خواهد کرد. با تضعیف دلار در برابر مارک آلمان، سرمایه‌ها به آلمان جاری شده‌اند و این امر افزایش فشار برای تجدید سازمان نظام پولی اروپا را محتوم خواهد ساخت. در برابر، بانکهای مرکزی سایر کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا نیز از ضرورت افزایش موجودی مارک خود آگاه شده‌اند و می‌توانند هنگام لزوم از پول خود دفاع نمایند.

آیا دولت کهل تاکنون دولت خوش‌معنی بوده است؟ بدون کاستن از اهمیت موفقیت‌های مالی این دولت، به نظر می‌رسد نیرومندی و عمق فوق‌العاده صنایع کارخانه‌ای آلمان، ولو آنکه در سال ۱۹۸۲ تغییراتی در حکومت حاصل نمی‌شد ( و کهل به قدرت نمی‌رسید ) صادرکنندگان آلمانی را از حضور خود در عرصه تجارت با آمریکا و سایر بازارهای بین‌المللی، مطمئن می‌ساخت. صادرات کالاهای سرمایه‌ای به آمریکا، در سال جاری به رشد سریع خود، به رغم تنزل سریع رشد کالاهای مشابه در آمریکا، ادامه داده است. به هر حال مسلم به نظر می‌رسد که مهارت‌های کاسینه کهل با نزدیک شدن تاریخ انتخابات، که قرار است در اوایل سال ۱۹۸۷ برگزار شود، تحت آزمونهای سخت‌تری قرار خواهد گرفت.